

گاهنامه زندگی علی شریعتی

زهرا کریمی



کارشناس ارشد زبان
و ادبیات فارسی

دکتر علی شریعتی در سال 1312 در روستای مزینان از حوالی شهرستان سبزوار متولد شد. پدر بزرگ او ملا قربانعلی، معروف به آخوند حکیم، مردی فیلسوف و فقیه بود و از شاگردان حاج ملا هادی سبزواری محسوب می‌شد. مادرش زهرا امینی دختری از اهالی روستای کاهک و پدر او، استاد محمدتقی شریعتی، مؤسس کانون حقایق اسلامی بود؛ او پس از گذراندن شش سال دور دبستان وارد دانشسرای مقدماتی در مشهد شد. در سال 1334 به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد وارد شد و رشته ادبیات فارسی را برگزید؛ در همین سال با یکی از هم‌کلاسی‌های خود به نام پوران شریعت رضوی ازدواج کرد. شریعتی در دوران تحصیل به ترجمه آثار چون: «ابوذر غفاری»، «نیایش» اثر الکسیس کارل (Alexis Carre) و نگارش یکرشته مقاله تحقیقی همت گماشت. در سال 1337 پس از دریافت لیسانس در رشته ادبیات فارسی برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و در آنجا به تحصیل جامعه‌شناسی، مبانی علم و تاریخ، تاریخ و فرهنگ اسلامی پرداخت. وی در سال 1343 به ایران بازگشت. ایشان پس از گذراندن زندگی پرفرازونشیب در روز یکشنبه 29 خردادماه 1356 - در حالی که سه هفته از سفرش به انگلستان می‌گذشت - در ساوت‌همپتون دیده از جهان فرو بست.

2 آذر 1312 ه. ش.

تولد در روستای کاهک از توابع سبزوار.

1 مهر 1319

آغاز تحصیلات ابتدایی در دبستان ابن یمین مشهد.

(1320)

به دلیل اوضاع بحرانی کشور مجبور شد به ده مهاجرت کند، بنابراین وقف کوتاهی در تحصیلات وی ایجاد شد.

1 مهر 1325

ورود به دبیرستان فردوسی مشهد.

1 مهر 1327

عضویت در کانون نشر حقایق اسلامی.



(1329)

ثبت نام در دانشسرای مقدماتی مشهد.

(1331)

اتمام دوره دانشسرا و استخدام در ادارۀ فرهنگ مشهد، بنیان‌گذاری انجمن اسلامی، اولین بازداشت به بهانه شرکت در تظاهرات خیابانی علیه حکومت موقت قوام السلطنه

(1332)

عضویت در نهضت مقاومت ملی.

(1333)

اخذ دیپلم ادبی، ترجمه و انتشار کتاب و مقالات متعدد.

(1334)

پیوستن به نهضت خداپرستان سوسیالیست، ورود به دانشکده ادبیات و علوم انسانی، انتشار کتاب‌های «ابوذر غفاری» و «تاریخ تکامل فلسفه»

(1336)

به همراه 16 نفر از اعضای نهضت مقاومت در مشهد دستگیر و راهی زندان می‌شود.

(1337)

ازدواج با پوران شریعت رضوی، احراز رتبه اول دانشگاه و اعزام به فرانسه با بورس دولتی و ادامه تحصیل در دانشگاه سوربن فرانسه، عضویت در سازمان آزادی‌بخش الجزایر

(1338)

مقاله‌ای را تحت عنوان «به کجا تکیه کنیم؟» در یکی از نشریات فرانسه منتشر می‌کند.

(1339)

شریعتی «مقاله شعر چیست؟» اثر ساتر را ترجمه و در پاریس منتشر می‌کند. به علت فعالیت در سازمان آزادی‌بخش الجزایر گرفتار می‌شود و در زندان پاریس با «گیوز» مصاحبه‌ای می‌کند. و بعد از آن هم مقاله‌ی مرگ فرانسیس قانون را در پاریس منتشر می‌کند.

(1339)

به بهانه‌ی مبارزاتش در فرانسه روانه زندان می‌شود.

(1340)

به گروه فعالان ایرانی نظیر ابراهیم یزدی، صادق قطب‌زاده، ابوالحسن بنی‌صدر و مصطفی چمران می‌پیوندد. آغاز همکاری مستمر با کنفدراسیون دانشجویان ایرانی، جبهه ملی، نهضت آزادی و نشریه «ایران آزاد»

4 مهر 1341

تولد فرزند دومش سوسن، آغاز آشنایی با افکار ژان پل سارتر و فرانسیس کافکا و ترجمه‌ی کتاب دوزخیان روی زمین

(1343)

اخذ مدرک دکترای در رشته‌ی تاریخ. بازگشت به ایران و دستگیری در مرز و حبس در زندان قزل‌قلعه و آزادی پس از مدتی کوتاه.

(1344)

به‌عنوان دبیر انشاء کلاس چهارم دبستان در یکی از روستاهای مشهد استخدام می‌شود.

(1345)

به‌عنوان استادیار رشته تاریخ در دانشگاه مشهد استخدام می‌شود.

(1348)

آغاز سخنرانی‌های وی در حسینیه ارشاد، مسئول امور فرهنگی حسینیه می‌شود، انتشار کتاب‌های اسلام‌شناسی و هجرت

(1351)

حسینیه‌ی ارشاد تعطیل می‌شود و سخنرانی‌های وی ممنوع می‌گردد.

(1352)

شریعتی خود را به ساواک معرفی می‌کند و در نتیجه 18 ماه در زندان انفرادی شکنجه می‌شود.

(1354)

سخت‌ترین روزهای زندگی دکتر، وی از کلیه حقوق اجتماعی محروم می‌شود و زندگی نیمه پنهان خود را آغاز می‌کند.

16 اردیبهشت 1356

با گذرنامه‌ای به نام علی مزینانی از تهران به لندن می‌رود.

29 خرداد 1356

سرانجام در 44 سالگی در انگلستان درگذشت و پیکر وی برخلاف وصیتش

در مکانی نزدیک حرم حضرت زینب (س) به خاک سپرده شد.



امام موسی صدر و دکتر ابراهیم یزدی و صادق قطب‌زاده بر پیکر وی نماز اقامه می‌کنند. دلیل رسمی مرگ وی انسداد شرایین و نرسیدن خون به قلب اعلام شد؛ هرچند مرگ وی توسط برخی به دلیل نداشتن سابقه بیماری قلبی و اعلام سریع نتیجه از سوی پزشک قانونی و خبر داشتن سفارت ایران در لندن از مرگ وی، قبل از اعلام رسمی، مشکوک دانسته شد. دکتر عبدالکریم سروش متذکر شد که پیکر دکتر شریعتی را دو بار مشاهده کرده است که جنازه در دیدار اول کاملاً سالم و دفعه دوم دارای شکافتگی‌های متعدد ناشی از کالبدشکافی بوده است.

احمد اشرف نیز می‌نویسد: علی شریعتی بر اثر سکت قلبی درگذشته درحالی‌که مخالفین شاه، سازمان ساواک را مقصر مرگ او قلمداد می‌کردند. هوشنگ شهابی هم همین نظر را داشت.

برگرفته از کتاب: «روزگار آفتابی: حکایت زندگی دکتر علی شریعتی» عبدالمجید نجفی، (1389)، «طرحی از یک زندگی» پوران شریعت‌رضوی، (1376) و سایت بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی؛ <https://drshariati.org> (بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی در سال 1377 توسط زنده یاد دکتر پوران شریعت رضوی، همسر ایشان، تأسیس شد

تا ضمن نظارت، بازنگری و اصلاح آثار منتشرشده‌ی پیشین، به منظور حفظ میراث فکری شریعتی، به تدوین و بازنشر کلیه‌ی این آثار بی‌هیچ دخل و تصرفی همت گمارد.)